

اثر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای مهم تجاری در الگوهای مختلف کالایی^۱

شکوفه ناقلی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه سمنان، *sh.nagheli@semnan.ac.ir*

مجید مداح*

دانشیار اقتصاد دانشگاه سمنان، *majid.maddah@semnan.ac.ir*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۰۶

چکیده

تجارت و سیاست‌های توسعه صادرات اهمیت زیادی در توسعه اقتصادی و تأمین منابع مالی کشورها دارد. طبق نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، صادرات تابعی از متغیرهای قیمتی و غیر قیمتی است. از جمله متغیرهای غیر قیمتی که اخیراً مورد توجه اقتصاددانان نهادگرا قرار گرفته است، متغیرهای نهادهای سیاسی هستند که با کاهش هزینه‌های مبادلاتی در تجارت، زمینه مناسبی را جهت توسعه صادرات بیشتر فراهم می‌کنند. هدف این پژوهش تحلیل تجربی اثر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای مهم تجاری غرب آسیا در چارچوب الگوی جاذبه با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی می‌باشد که در آن از داده‌های شش رقمی بر اساس طبقه‌بندی سیستم هماهنگ (HS) طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل‌های برآوردی نشان می‌دهد، متغیرهای نهادی (سیاسی) به همراه شاخص‌های آزادی اقتصادی و آزادی مالی دارای اثر مثبت بر صادرات ایران به شرکای تجاری غرب آسیا در هشت الگوی مختلف کالایی هستند که این اثر در سطح بالای معنی‌داری تأیید می‌شود. ارتقاء متغیرهای نهادی با کاهش ریسک تجاری، انگیزه فعالان اقتصادی برای ورود به بازارهای جهانی را فراهم می‌کند و به عنوان یک عمل مهم پیش‌برنده در توسعه صادرات تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نهادهای سیاسی، صادرات، مدل جاذبه، الگوی داده‌های تلفیقی.

طبقه‌بندی JEL: O43, F10, C29, C23

^۱ مقاله حاضر مستخرج از رساله نویسنده اول تحت راهنمایی دکتر مجید مداح در دانشگاه سمنان است.

* نویسنده مسئول مکاتبات

۱- مقدمه

تجارت نقش مهمی در پویایی و رشد اقتصادی کشورها دارد. اغلب کشورها برای افزایش رشد اقتصادی به دنبال توسعه تجارت با سایر کشورها و تولید کالا بر اساس مزیت نسبی هستند. صادرات به عنوان موتور رشد اقتصاد و رمز بقای کشورها در بازارهای جهانی، نقش کلیدی را در عرصه اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. یکی از الزامات گسترش تجارت خارجی، بررسی الگوهای مدرن تجارت بین‌الملل جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تجارت کشورهاست. ایران نیز با تکیه بر مزایای نسبی و توانمندی‌های مختلف اقتصادی، می‌بایست با شناسایی فرصت‌های موجود، حجم تجارت خود را افزایش داده و موجبات رشد و رفاه اقتصادی را فراهم آورد. امروزه تجارت و سیاست‌های توسعه صادرات به دلیل سرعت بالای تولید علم و فناوری اهمیت بسیار و نقش بی‌بدیلی در توسعه اقتصادی دارند. در نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، صادرات تابعی از متغیرهای قیمتی و غیر قیمتی است (هراتی و همکاران^۱، ۱۳۹۴).

گرچه دیدگاه سنتی تجارت بین‌الملل بر وجود مزیت‌های نسبی به عنوان یک عامل مهم در توسعه صادرات یک کشور تأکید دارد، اما ادبیات اخیر با تمرکز بر تجارت (تا حد زیادی بر اساس مدل‌های جاذبه)، بر این موضوع اصرار دارد که نهادهای بهتر می‌توانند به ارتقاء و بهبود تجارت کمک نمایند. لوچنکو^۲ (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که تفاوت در کیفیت نهادی می‌تواند خود یک منبع مزیت نسبی باشد و بنابراین نشان داده است که تفاوت‌های نهادی در سراسر کشور از جمله عوامل مهم برای الگوهای تجارت می‌باشد. در این رابطه، با استفاده از یک مدل جاذبه^۳، اندرسون و مارکویلر^۴ (۲۰۰۲) دریافتند که حجم تجارت دوجانبه رابطه مثبتی با کیفیت نهادی کشورهای تجاری دارد (فرانسیوس و مانچین^۵، ۲۰۱۳).

در حوزه تجارت خارجی، کشورهای غرب آسیا یکی از شرکای مهم تجاری ایران هستند که بخشی از بازار صادراتی ایران را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۴ ارزش مجموع کالاهای صادراتی به این کشورها ۱۲۰۵/۶۱۷ میلیون دلار بوده است که با توجه به بازار گسترده

¹ Harati et al. (2015)

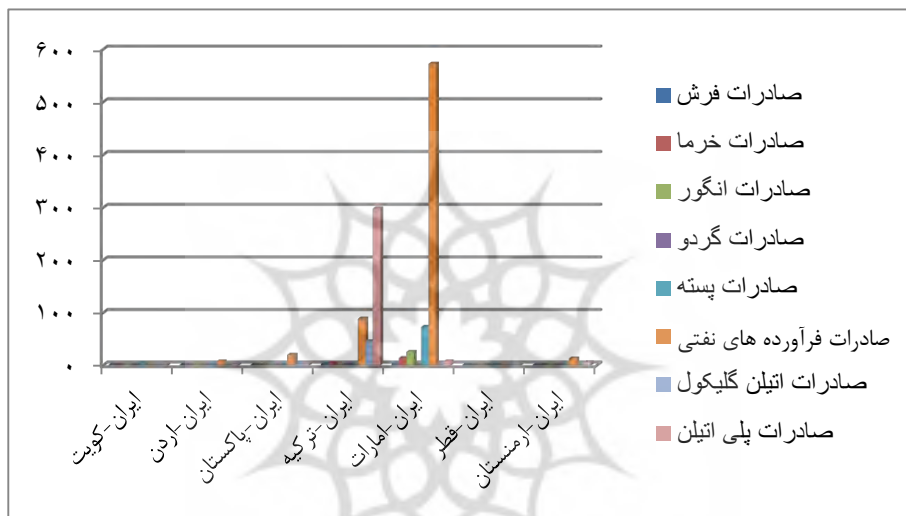
² Levchenko

³ Gravity Model

⁴ Anderson and Marcouiller

⁵ Francois and Manchin

مصرف در این کشورها، در سال‌های آتی قابل افزایش است.^۱ نمودار (۱) ارزش صادرات ایران به شرکای مهم تجاری غرب آسیا را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این نمودار، کشورهای امارات و ترکیه از مهم‌ترین بازارهای صادراتی ایران در سال ۲۰۱۴ به شمار می‌آیند.



نمودار (۱): صادرات ایران به شرکای مهم تجاری غرب آسیا در ۲۰۱۴ (میلیون دلار)

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مستخرج از WITS

عبارت «نهادهای سیاسی» به قواعد و اصولی اطلاق می‌شود که سازمان‌ها در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند. برخی از این نهادها سیاسی عبارتند از: پاسخگویی^۲، کارآمدی^۳ و کنترل فساد. با تعبیر اخیر، نهادها سیاسی قواعد بازی در چرخه حیات سیاسی محسوب و به این دلیل ایجاد می‌شوند که مشکل‌های چرخه حیات سازمان‌های سیاسی را حل کنند (سبحانی و بیات^۴، ۱۳۹۳). ارتباط بین کیفیت نهادی، حکمرانی و تجارت مسئله‌ای است که نیاز به تحقیق بیشتر دارد. برخی از محققان به اهمیت روزافزون کیفیت نهادی برای تجارت و فرآیند یکپارچه‌سازی اقتصادی پی برده‌اند. به عنوان مثال، حفظ یک دولت عادلانه و کارآمد در بخش عمومی، فساد کم، اجرای مؤثر قانون و مقررات می‌تواند به

¹ WITS (2014)

² Accountability

³ Effectiveness

⁴ Sobhani and Bayat (2014)

تجارت و فرآیندهای تجاری کمک نماید. در حالی که نقش نهادها و حاکمیت هنوز هم به عنوان بخشی از یک نظریه اقتصادی منسجم و رشد یافته به رسمیت شناخته نشده است. در مطالعه حاضر عوامل مختلفی ارزش صادرات ایران به کشورهای غرب آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهند که در این بین، به نظر می‌رسد شاخص‌های نهادی پیش‌برنده که قادر به فراهم‌سازی شرایط مناسبی جهت گسترش بازارهای صادراتی ایران هستند، از اهمیت بالایی برخوردارند. هدف این پژوهش تحلیل تجربی اثر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای مهم تجاری غرب آسیا در چارچوب الگوی جاذبه با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی می‌باشد که در آن از داده‌های شش رقمی بر اساس طبقه‌بندی سیستم هماهنگ (HS)^۱ طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ استفاده شده است. در این مطالعه پس از مقدمه در بخش دوم به ادبیات موضوع در سه قسمت ارتباط نهادها و صادرات، کانال‌های اثرگذاری نهادها بر صادرات و پیشینه تحقیق پرداخته شده و در بخش سوم تصریح مدل تحقیق ارائه شده و پس از استخراج مدل و تعریف متغیرها، در بخش چهارم به برآورد مدل و تحلیل تجربی اختصاص یافته است و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها در بخش پنجم مطرح شده است.

۲- ادبیات موضوع

در این بخش ابتدا مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با صادرات و نهادها به اختصار ارائه و ارتباط نهادها و صادرات بیان می‌شود. سپس در مورد کانال‌های اثرگذاری عوامل نهادی بر صادرات بحث می‌شود و در ادامه به پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. سیر تجارت در دنیا، کشورهای با اقتصادی بسته را به نظام‌های باز اقتصادی به صورت پویا، تغییر داده است. در این مورد می‌توان از نظریه مزیت مطلق^۲ آدام اسمیت^۳ در سال ۱۷۷۶ میلادی یاد کرد که کشورها به تولید و صادرات کالاهایی تشویق می‌شدند که در آن مزیت مطلق داشته باشند. پس از آدام اسمیت، ریکاردو^۴ نظریه مزیت نسبی^۵ را مطرح نمود که به نظریه هزینه نسبی نیز معروف است. در این نظریه ریکاردو اثبات نمود که هر کشوری که در تولید یک کالا یا خدمت مزیتی نسبی داشته باشد، اگرچه مزیت مطلوب نداشته باشد، موفق خواهد بود و عایدی و سود آن به تمامی کشورهای که به این مبادله می‌پردازند،

^۱ HS-6 Digit Level

^۲ Absolute Advantage Theory

^۳ Adam Smith

^۴ Ricardo

^۵ Comparative Advantage Theory

تعلق خواهد گرفت. هکشر-اوهلین^۱ نظریه وفور عوامل را مطرح نمودند و اقتصاددانان دیگری مانند جانسون^۲، جونز^۳، استالپر^۴، ساموئلسن^۵، آن دو را کامل کردند. بنابر این نظریه، هر کشور کالاهایی را صادر خواهد کرد که برای تولید آن‌ها از منابع پر وفور خود نسبتاً به مقدار زیاد استفاده کرده است و کالاهایی را وارد خواهد کرد که عوامل تولید آن‌ها در کشور کمیاب هستند. نخستین کسی که نظریه هکشر-اوهلین را به بوته آزمایش گذاشت، لئونتیف^۶ بود که برای آزمون فوق نسبت سرمایه به تولید و نیروی کار برای صادرات و واردات امریکا را محاسبه نمود. هاربلر^۷ نظریه تقسیم کار ناقص را مطرح کرد و عقیده داشت که تقسیم کار بین‌الملل و نیز تجارت بین‌المللی به هر کشوری که وارد اقتصاد جهانی شود، توانایی‌های لازم را می‌بخشد تا قادر به تخصص در تولید کالاهایی باشد که تولید و صدور آن‌ها به نحو بهتر و ارزان‌تر امکان‌پذیر است. در نظر وی تقسیم کار بین‌المللی و تجارت جهانی از جمله عوامل اساسی فراهم‌آوری بهزیستی اقتصادی و افزایش درآمد ملی است. هاربلر معتقد است هر آنچه برای سطح زندگی و درآمدهای ملی یک کشور مناسب باشد، طبعاً برای جریان توسعه اقتصادی نیز مفید خواهد بود (اسپنسر^۸، ۱۹۸۶).

اواخر دهه ۱۹۹۰ و آغاز قرن ۲۱ تحولات مربوط به مدیریت خوب و حکمرانی خوب به عنوان پایه‌های اصلاح رفتار کارگزاران بخش عمومی مورد تأکید قرار گرفت. به گونه‌ای که حتی بحث‌های اصلاح نهادها و قوانین اساسی کشورها در دهه دوم قرن حاضر مورد بازنگری مجددی واقع گردید. برخی مطالعه‌ها نشان دادند که بایستی یک سری ابعاد نهادی در کنار دولت مورد توجه قرار گیرد تا مقامات وظیفه رسمی خود نسبت به شهروندان را بهبود بخشند. بوکانان و همکاران^۹ تکیه بیش از حد اقتصاددانان بر تخصیص منابع و عدم توجه آن‌ها به امور نهادی را مورد پرسش جدی قرار دادند که به دنبال آن

^۱ Heckscher-Ohlin

^۲ Johnson

^۳ Jones

^۴ Stolper

^۵ Samuelson

^۶ Leontief

^۷ Harbeler

^۸ Spencer

^۹ Buchanan et al.

مطالعه‌های انتخاب اجتماعی شکل گرفت که میزان قابل توجهی از پایه‌های تئوریک دولت بهینه را شکل می‌دهد (دادگر و همکاران^۱، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه طیفی از نظریه‌هایی وجود دارد که بر نقش مؤثر عوامل قیمتی تأکید می‌کنند و اعتماد دارند که متغیرهای قیمتی این توانایی را دارند که عوامل و شرایط غیر قیمتی را تأمین کنند، در حالی که در واقعیت بررسی‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای قیمتی موفق به توضیح تمام تغییرات لازم ایجاد شده در عملکرد صادرات نیستند، بنابراین نظریه‌های جدید اقتصادی مطرح می‌شوند که بر متغیرهای غیر قیمتی تأکید دارند. از این نظریه‌ها می‌توان به نظریه پیشرفت فناوری در تجارت اشاره کرد که بر اساس آن فناوری نقش اساسی در شکل دادن به فعالیت‌های اقتصادی دارد. فناوری مرتبط با نهادهاست، زیرا بر اساس نظر پوزنر^۲ (۱۹۶۱) و مودی و یلماز^۳ (۲۰۰۲)، دانش فناوری را تولید می‌کند. در صورتی که در اقتصاد نهادهای سیاسی و اجتماعی مناسب ایجاد شود، دانش حالت درونزا پیدا می‌کند، کیفیت نهادهای شده و نوآوری و ابداع به طور خود افزا رشد می‌کند و صادرات افزایش می‌یابد. لذا، وجود نهادهای سیاسی و اجتماعی مناسب منجر به ایجاد شرایط و بسترهای لازم در جهت افزایش صادرات می‌شود (کو، هلپمن و هافمستر^۴، ۲۰۰۹). بنابراین، عوامل نهادی مکمل عوامل قیمتی است و می‌توان گفت که عوامل نهادی، زمینه ساز کارکرد خوب متغیرهای قیمتی است. در بسیاری از مطالعه‌ها محققان عوامل نهادی را وارد تابع صادرات کرده‌اند، از این دسته مطالعه‌ها می‌توان به گانی و پراساد^۵ (۲۰۰۶)، کو، هلپمن و هافمستر (۲۰۰۹)، کرابه و بین^۶ (۲۰۰۹) و پرابیر^۷ (۲۰۱۰) اشاره کرد که هر یک تعدادی از شاخص‌های نهادی را وارد تابع صادرات کرده‌اند (شریفی رنانی و ملا اسمعیلی دهشیری^۸، ۱۳۹۲).

۲-۱- نهادها

نهادها قیودی هستند که توسط انسان برای هدایت روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرند. اقتصاددانان نهادگرا بر نقش نهادها در عملکرد اقتصادی تأکید فراوان دارند و

¹ Dadgar et al. (2013)

² Posner

³ Mody and Yilmaz

⁴ Coe, Helpman and Hoffmaister

⁵ Gani and Prasad

⁶ Crabbe and Beine

⁷ Prabir

⁸ Sharifi Renani and Mollaesmaeili Dehshiri (2013)

عملکرد اقتصادها را در طول زمان متأثر از تحول‌های نهادی می‌دانند که قابل دیدن، لمس کردن و اندازه‌گیری نیستند و انعکاسی از وجود قراردادهایی در روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اشخاص با یکدیگر هستند و به طور قابل توجهی منجر به کاهش هزینه‌ها در فرآیند مبادله‌ها و همچنین افزایش کارایی در اقتصاد می‌شوند. نهادها با ایجاد یک ساختار باثبات (نه لزوماً کارا) برای کنش متقابل انسان‌ها، عدم نااطمینانی را در بازار کاهش و موجب افزایش رقابت در بازار می‌شوند که بر این اساس، کشورهای دارای نهادهای بهتر، دارای رشد سریع‌تری هستند. کس^۱ (۱۹۶۵) در مورد اهمیت نهادها اظهار می‌دارد که هر وقت مبادله‌ها هزینه‌بر باشند، نهادها اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. چون نهادها می‌توانند منجر به افزایش رقابت و کاهش هزینه‌های مبادلاتی در بازار شوند (نورث^۲، ۱۳۸۵). از جمله شاخص‌های نهادی که در فراهم آوردن محیط مناسب اقتصادی مؤثرند، نهادهای سیاسی مثل کارکرد قوانین و مقررات و عملکرد دولت هستند. این نهادها قادرند محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، مهیا سازند و روند رشد اقتصادی را تسریع بخشند. بانک جهانی از میانگین شش شاخص تحت عنوان شاخص حکمرانی خوب برای اندازه‌گیری نهادهای سیاسی در کشورها استفاده می‌کند (کافمن و همکاران^۳، ۲۰۱۰). شاخص‌های حکمرانی خوب توسط کافمن و همکاران و برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ اندازه‌گیری شده‌اند و از سال ۲۰۰۲ به صورت سالیانه محاسبه گردیده‌اند. این شاخص‌ها بر اساس داده‌های ذهنی و اطلاعاتی است که از چندین مؤسسه غیر دولتی بدست آمده است. در هر یک از این شاخص‌ها به کشورها امتیازی در بازه ۲/۵- تا ۲/۵ داده می‌شود و کشوری که دارای امتیاز بیشتری است، دارای وضعیت بهتری در شاخص مورد بررسی است.^۴ این شاخص‌ها به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند.

الف) حق اظهارنظر و پاسخگویی^۵ به محاسبه و اندازه‌گیری این موضوع می‌پردازد که مردم کدام کشورها می‌توانند حکومت خود را انتخاب کنند و از آزادی بیان، تجمع‌ها و

^۱ Cass

^۲ North (1990)

^۳ Kaufmann et al.

^۴ این تعاریف توسط بانک جهانی برای شاخص‌های حکمرانی بیان شده است.

(<http://info.worldbank.org/governance/wgi/faq.htm>)

^۵ Voice and Accountability (VA)

رسانه برخوردار گردند. ب) ثبات سیاسی و عدم خشونت^۱ عملکرد دولت را در زمینه مستبد بودن (مثل خشونت سیاسی و تروریسم) ارزیابی می‌کند. ج) اثربخشی دولت^۲ به اندازه‌گیری کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات اجتماعی و درجه استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی می‌پردازد و کیفیت وضع و اجرای قوانین و اعتبار و تعهدهای دولت برای انجام این سیاست‌ها را بررسی می‌کند. د) کیفیت قوانین و مقررات^۳. این شاخص، توانایی دولت برای تنظیم و اجرای سیاست‌های درست و قوانینی که به پیشرفت و توسعه بخش خصوصی کمک می‌نماید را اندازه‌گیری می‌کند. ه) حاکمیت قانون^۴. کیفیت سیستم قضایی قانونی و رسمی یک کشور توسط این شاخص ارزیابی می‌شود و در آن میزان اطمینان و وفاداری کارگزاران به قوانین جامعه (به خصوص در مورد کیفیت پلیس، دادگاه‌ها و الزام به اجرای قراردادهای) اندازه‌گیری می‌شود. و) کنترل فساد^۵ به اندازه‌گیری استفاده از قدرت دولتی به منظور کسب سود و نفع شخصی می‌پردازد (آذربایجانی و همکاران^۶، ۱۳۸۹).

۲-۲- ارتباط نهادهای و صادرات

در ادبیات نظری اکثر مطالعه‌ها، عامل نهادی با شش گروه شاخص جداگانه شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، و شاخص حکمرانی^۷ تبیین شده است. شاخص حکمرانی به صورت میانگین ساده از شاخص‌های مذکور است. دستیابی به حکمرانی خوب از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، ولی آهنگ توسعه حکمرانی به طور مشخص برای الحاق در اقتصاد جهانی تأثیر فزاینده‌ای دارد. این موضوع در دیدگاه‌های کافمن و همکاران^۸ (۲۰۰۴) به وضوح پدیدار شده است. به گونه‌ای که، کشورهایی که برای شکل‌گیری و بهبود حکمرانی خوب تلاش می‌کنند، ساختار تجاری‌شان نیز ارتقاء می‌یابد و این به ویژه برای کشورهای با سطوح درآمدی پایین و متوسط اهمیت بیشتری دارد.

^۱ Political Stability and Absence of Violence (PV)

^۲ Government Effectiveness (GE)

^۳ Regulatory Quality (RQ)

^۴ Rule of Law (RL)

^۵ Control of Corruption (CC)

^۶ Azarbayjani et al. (2011)

^۷ Governance Index

^۸ Kaufmann et al.

در این ارتباط، دی گروت و همکاران^۱ (۲۰۰۳) با به کارگیری مدل جاذبه اثر نهادها بر روی جریان‌های تجاری بین کشورهای منتخب جهان را با استفاده از داده‌های مقطعی در سال ۱۹۹۸ بررسی کردند و به رابطه مثبتی بین آن‌ها رسیدند. در مدل جاذبه، صادرات کشورها به یکدیگر به وسیله متغیرهای اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده (درآمد ناخالص ملی یا درآمد ناخالص داخلی)، جمعیت کشورها، فاصله جغرافیایی کشورها و مجموعه‌ای از متغیرهای مجازی به منظور بررسی ویژگی‌های نهادها توضیح داده می‌شود. در این پژوهش از شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی به عنوان شاخص‌های مبین کیفیت نهادها استفاده شد. در این تحقیق، در ابتدا اثر هر یک از شش شاخص حکمرانی (به صورت منفرد) بر روی جریان‌های تجاری کشورها مورد بررسی قرار گرفت و سپس با وارد کردن میانگین ساده شش شاخص حکمرانی، اثر آن بر جریان تجاری بین کشورها از لحاظ تجربی مورد آزمون قرار گرفت. طبق یافته‌های این پژوهش، بهبود عملکرد نهادها در کشورهای مورد بررسی باعث افزایش تجارت به میزان ۳۰ تا ۴۴ درصد می‌گردد و در کشورهایی که دارای نهادهایی شبیه به یکدیگر هستند، حجم تجارت به میزان ۱۳ درصد در مقایسه با کشورهایی که دارای نهادهایی متفاوت هستند، افزایش می‌یابد.

به نظر گانی و پراساد (۲۰۰۶)، ادبیات موضوع در حوزه ارتباط میان کیفیت نهادی، حکمرانی و تجارت اندک است. برخی از اندیشمندان اهمیت رو به افزایش کیفیت نهادی برای تجارت و همچنین فرآیند همگرایی‌های اقتصادی را مستندسازی کرده‌اند.

در خصوص مکانیسم این روند باید اشاره کرد که ممکن است نهادها به صورت غیر مستقیم و از طریق تأثیرشان بر متغیرهای دیگر تعیین‌کننده، تجارت کشورها را تحت تأثیر قرار دهند. سرمایه‌گذاری و بهره‌وری به صورت غیر مستقیم بر تجارت تأثیرگذارند که به این موضوع در مطالعه‌های رودریک^۲ (۱۹۹۷) و ناک و کیفر^۳ (۱۹۹۵) تأکید شده است. از نظر این محققان، نهادهای کارا، بهره‌وری و رشد اقتصادی را به طور مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکل‌گیری نهادهای کارا در یک کشور می‌تواند به کاهش هزینه مبادله و افزایش صادرات منجر شود که این امر در دیدگاه‌های کوز^۴ (۱۹۳۷) مورد تأکید قرار گرفته است. جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح در زمینه تأثیرگذاری عوامل اقتصادی و نهادی در توسعه

¹ De Groot et al.

² Rodrik

³ Knack and Keefer

⁴ Coase

صادرات بر این امر دلالت دارد که اگر در اقتصاد کشوری، نهادهای سیاسی و اجتماعی مناسب ایجاد شوند، دانش و بهره‌وری حالت درون‌زا پیدا کنند، نوآوری به صورت خودافزا رشد کند، قدرت‌های فردی و انحصاری اقتصادی مهار و محدود شوند، اخلاصها و موانع تعامل پویای بخش‌ها از میان برداشته شوند، در آن صورت تخصیص بهتر منابع با هزینه مبادله کمتر در توسعه تجارت و صادرات همراه خواهد بود (احمدزاده و همکاران^۱، ۱۳۹۲).

۲-۳- کانال‌های اثرگذاری نهادهای بر صادرات

۲-۳-۱- **کارایی و اثربخشی دولت:** اثر نهادهای خوب بر تولید و سرمایه‌گذاری قابل تحلیل و بررسی است. افزایش کارایی دولت موجب توسعه خدمات دولتی می‌شود. کارایی دولت، هزینه اجرای قراردادها و هزینه مبادلاتی در استفاده از خدمات دولتی را کاهش و زمینه سودآوری را برای فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم می‌کند. نهادهای دولتی کارا به ثبات اقتصادی بیشتر و کاهش خطر و ناطمینانی در فضای تولیدی کمک می‌کنند که از این طریق روند رشد و توسعه اقتصادی کشور تسریع می‌شود.

۲-۳-۲- **کیفیت قوانین و مقررات:** قوانین و مقررات کارآمد از جمله مهم‌ترین نهادهایی هستند که عملکرد اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. کیفیت قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی مثل قانون کار، تجارت کالا، مالیات و قوانین بازار پول و سرمایه بر انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری در جامعه اثر دارد و می‌تواند موجب افزایش تولید و صادرات شود.

۲-۳-۳- **حق اظهارنظر و پاسخگویی:** شفافیت و حق اظهارنظر و پاسخگویی شهروندان، امکان انتخاب درست توسط مردم و تصمیم‌گیری‌های بهینه از سوی عوامل اقتصادی را به وجود می‌آورد که در نهایت می‌تواند عملکرد تولید و صادرات کشور را بهبود بخشد.

۲-۳-۴- **حاکمیت قانون:** فقدان قانون و بی‌نظمی موجب هرج و مرج در جامعه شده و فضای ناطمینانی را برای فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد که در این شرایط، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد. حاکمیت قانون موجب بهبود عملکرد بازار می‌شود. تعریف حقوق مالکیت یکی از مصادیق حاکمیت قانون در بازار است که با وجود آن انگیزه واحدهای اقتصادی برای مشارکت در تولید تقویت می‌شود.

^۱ Ahmadzadeh et al. (2013)

۲-۳-۵- **ثبات سیاسی و عدم خشونت:** ثبات سیاسی یکی دیگر از عواملی است که هزینه تصمیم‌گیری‌ها در سطح کلان را کاهش می‌دهد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید را برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد.

۲-۳-۶- **کنترل فساد:** فساد اقتصادی، شرایط برابر در استفاده از فرصت‌های تولید و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و هزینه‌های بخش خصوصی را در فضای کسب و کار افزایش می‌دهد. با کنترل فساد، مزیت‌های سرمایه‌گذاری و تولید به درستی آشکار می‌شوند و محدودیت‌های بیشتری برای ظهور فرصت‌های رانت‌جویانه به وجود می‌آید. در این شرایط، انگیزه واحدهای اقتصادی برای تولید و صادرات بیشتر تقویت خواهد شد.

۲-۴- پیشینه تحقیق

۲-۴-۱- مطالعات خارجی

بلانکو^۱ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تأمین مالی، رشد، و نهادها در آمریکای لاتین: چه ارتباطی بین آن‌ها وجود دارد؟»، با استفاده از یک نمونه پانلی متشکل از ۱۶ کشور طی سال‌های ۱۹۶۱-۲۰۱۰ نشان داد، درجه بیشتر باز بودن مالی و ریسک پایین‌تر با توسعه مالی بالاتر رابطه معنی‌داری دارد. همچنین بدهی‌های خارجی کمتر و شرایط اجتماعی-اقتصادی بهتر، با توسعه مالی رابطه مستقیم دارد.

یانگ و شیهن^۲ (۲۰۱۴) رابطه بین عواید خارجی، کیفیت نهادی و رشد را در سطح ۱۱۶ کشور طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰ بررسی کردند و نتیجه گرفتند عواید خارجی با سیستم قانونی و حقوق مالکیت و همچنین درجه باز بودن تجاری رابطه معنی‌داری دارد. با کنترل شاخص کیفیت نهادی، عواید خارجی با رشد رابطه معنی‌داری ندارد.

شنگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نقش اصلاح نهادی در تنوع‌گرایی صادرات کشورهای در حال توسعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. طبق یافته‌های این تحقیق، مالکیت می‌تواند محدودیت‌هایی را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهبود اجرای قراردادها، و کاهش هزینه‌های برونسپاری در شرکت‌های چند ملیتی تحمیل کند و آن‌ها را وادار به تولید محصول‌های جدید در کشورهای میزبان و در حال توسعه نماید. شواهد

¹ Blanco

² Young and Sheehan

³ Sheng et al.

تجربی تحقیق نشان می‌دهند که آزادسازی مالکیت، با کیفیت قضایی و کاهش در هزینه‌های برونسپاری، نقش مهمی در افزایش حاشیه‌های صادراتی در کشور چین طی سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۷ ایفا کرده است.

گوهایس و اسلویگن^۱ (۲۰۱۶) موضوع «گواهینامه‌های استانداردهای بین‌المللی، بی-اعتباری نهادی و صادرات از شرکت‌های واقع در کشورهای در حال توسعه»، را بررسی کردند. نتایج تجربی این تحقیق نشان داد که احتمال صادرات در مقیاس وسیع‌تر برای شرکت‌های دارای گواهینامه‌های استاندارد بیشتر است. تأثیر استانداردهای بین‌المللی صدور گواهینامه‌ها از طریق دو کانال است: کاهش هزینه معاملاتی و افزایش بهره‌وری. در این تحقیق نشان داده شد که صدور گواهینامه‌ها نقش مهمی در پایین آوردن هزینه‌های معاملاتی در بازارهای بین‌المللی ایفا می‌کند و همچنین به حفظ و ارتقاء بهره‌وری نیز کمک می‌نماید.

۲-۴-۲- مطالعات داخلی

مداح و دل‌قندی^۲ (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خود رگرسیون برداری در داده‌های تابلویی)» اظهار داشتند که سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورهاست. نتایج حاصل از توابع عکس-العمل منتج از تخمین مدل‌ها نشان داد که واکنش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به کیفیت نهادها در کشورهای عضو جی ۸ مثبت است، همچنین کارایی سیاست‌های اقتصادی مثل آزادسازی تجاری، افزایش نقدینگی و کاهش نرخ بهره واقعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو گروه کشورها با وجود شرایط نهادی مناسب مثل ثبات سیاسی، کارایی دولت و حاکمیت قوانین و مقررات افزایش می‌یابد.

دادگر و ندیری^۳ (۱۳۹۳) در پژوهشی تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی را بر رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار دادند و نشان دادند که در بین عوامل نهادی مختلف، نهادهای حامی حقوق مالکیت بر تولید ناخالص سرانه در اکثر کشورهای مورد بررسی اثر دارند. این در حالی است که نهادهای اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی کشورها اثر ندارند.

^۱ Goedhuys and Sleuwaegen

^۲ Maddah and Delghandi (2013)

^۳ Dadgar and Nadiri (2014)

شاگری و همکاران^۱ (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» نشان دادند، کیفیت بروکراسی رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد دارد. ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثر بخشی دولت، حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما بی‌معنی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته است.

رضازاده کارسالاری و رحیمیان بوگر^۲ (۱۳۹۴) رابطه کیفیت محیط نهادی، رانت منابع طبیعی و رشد صادرات در منتخبی از کشورهای در حال توسعه را با استفاده از رویکرد پانل دیتا طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۳ مورد بررسی و تحلیل تجربی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد، رابطه مثبت و معنی‌دار بین بهبود کیفیت محیط نهادی و رشد صادرات در کشورهای مورد بررسی وجود دارد. همچنین رابطه مثبت و معنی‌دار بین بهره‌مندی از منابع طبیعی و رشد صادرات تأیید می‌شود. این نتایج مبین اهمیت نقش مؤلفه‌های غیر قیمتی در توضیح رفتار صادراتی کشورهای در حال توسعه و ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها به هنگام طرح‌ریزی برنامه‌های اقتصادی و تعیین اهداف سیاستی است.

با توجه به مطالعات پیشین، نوآوری این مطالعه آن است که برای اولین بار در تبیین اثر نهادهای سیاسی بر صادرات از اطلاعات تجاری ایران و شرکای مهم تجاری غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ در چارچوب الگوی جاذبه با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی استفاده شده است. این موضوع در سطح کالاهای با کد شش رقمی بر اساس طبقه بندی سیستم هماهنگ (HS) انجام شده که از اهم جنبه‌های نوآوری این تحقیق به شمار می‌رود. بر این اساس از داده‌های شش رقمی صادرات در بخش‌های مختلف اقتصادی که به کشورهای غرب آسیا داشته است، استفاده می‌کند و نوع کالاهای در نظر گرفته شده در هر بخش با توجه به اهمیت میزان صادرات به آن کشورها است.

۳- تصریح مدل

تین‌برگن^۳ (۱۹۶۲) و پوی‌هانن^۴ (۱۹۶۳) نخستین افرادی بودند که از مدل جاذبه به منظور بررسی جریان‌های تجاری استفاده کردند. پس از آن مدل جاذبه به یک ابزار قوی برای بررسی تجارت خارجی تبدیل شد. بر اساس این مدل، صادرات کشورها به یکدیگر

¹ Shakeri et al. (2015)

² Rezazadeh Karsalari and Rahimian Bouger (2016)

³ Tinbergen

⁴ Poyhonen

به وسیله اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده (درآمد ناخالص ملی یا درآمد ناخالص داخلی)، جمعیت کشورها، فاصله جغرافیایی کشورها و مجموعه‌ای از متغیرهای مجازی به منظور بررسی ویژگی‌های نهادهای توضیح داده می‌شود (زارزسو و لهمن^۱، ۲۰۰۳). در مدل جاذبه فرض می‌شود که مقدار تجارت بین دو کشور با افزایش اندازه اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) آن‌ها نسبت فزاینده‌ای داشته و با افزایش هزینه‌های حمل و نقل بین آن‌ها یعنی افزایش فاصله جغرافیایی بین مراکز اقتصادی آن‌ها رابطه معکوس دارد. اگرچه مدل جاذبه در توضیح جریان‌های تجاری از قابلیت بالایی برخوردار است، اما مطالعه‌های کمی به منظور بررسی زیربنای تئوریک آن صورت گرفته است. هلپمن و کروگمن^۲ (۱۹۸۵) و دیردورف^۳ (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که هم تئوری‌های جدید تجارت از تفکیک تولید و هم تئوری هکشر-اوهلین از مزیت نسبی می‌توانند یک منطق تئوریک برای مدل جاذبه از تجارت دوجانبه را فراهم کنند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۹). به منظور برآورد مدل جاذبه و برای این‌که اثرات ثابت و انفرادی مربوط به کشورهای مورد بررسی مورد توجه قرار گیرد و اریب ناهمگنی از میان برود، بیشتر از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود.

داده‌های تلفیقی محیطی بسیار غنی از اطلاعات را برای گسترش تکنیک‌های برآورد و نتایج نظری در اختیار محققان قرار می‌دهند. در داده‌های سری زمانی مقدار یک یا چند متغیر در طول یک دوره زمانی مشاهده می‌شود. در داده‌های مقطعی مقادیر یک یا چندین متغیر اقتصادی در یک زمان مشخص جمع‌آوری می‌شود. داده‌های تلفیقی روشی برای ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی است که اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی را در طول زمان بررسی می‌کند. ترکیب آماره‌های سری زمانی با آماره‌های مقطعی نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای تخمین الگوهای اقتصادسنجی فراهم کند، بلکه بر مبنای نتایج بدست آمده می‌تواند استنباط‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قابل توجهی را نیز فراهم سازد (گجراتی^۴، ۲۰۰۳). برتری الگوهای داده‌های تلفیقی بر الگوهای با برش‌های مقطعی محض، این است که در این الگوها محقق می‌تواند انعطاف‌پذیری بیشتری در تبیین رفتار فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد. یکی از مهم‌ترین

¹ Zarzoso and Lehmann

² Helpman and Krugman

³ Deardorff

⁴ Gujarati

مزیت‌های روش داده‌های تلفیقی، کنترل نمودن خواص ناهمگن و در نظر گرفتن خانوارها، بنگاه‌ها، شرکت‌ها و کشورها است، در حالی که روش‌های داده‌های مقطعی و سری زمانی این ناهمگنی را کنترل نکرده و با تخمین الگو به این روش‌ها، بیم اریب در نتایج می‌رود (بالتاجی^۱، ۲۰۰۱).

در این تحقیق به منظور آزمون تجربی اثر متغیرهای نهادی (سیاسی) بر صادرات ایران به شرکای مهم تجاری غرب آسیا در چارچوب ادبیات تحقیق و پژوهش دی گروت و همکاران (۲۰۰۳) مدل جاذبه تعمیم یافته زیر معرفی می‌شود:

$$EX_{ijt} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{jt} + \beta_2 RER_{ijt} + \beta_3 TRADE_{ijt} + \beta_4 SIZE_{jt} + \beta_5 FDI_{ijt} + \beta_6 R_{jt} + \beta_7 FF_{jt} + \beta_8 FE_{jt} + \beta_9 GGOV_{jt} + \beta_{10} INF_{jt} + \beta_{11} GINV_{jt} + \varepsilon_{ijt} \quad (1)$$

که در آن:

EX_{ijt} : صادرات (ارزش صادرات ایران به شرکای تجاری در زمان t در گروه‌های مختلف کالایی) (برحسب هزار دلار)

GDP_{jt} : تولید ناخالص داخلی سرانه کشور j در زمان t (برحسب پول ملی کشورها بر مبنای سال پایه ۲۰۱۰)

RER_{ijt} : نرخ ارز دوجانبه بین دو کشور i و j در زمان t (برحسب میانگین دوره به دلار) است که به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$RER_{ijt} = \frac{RER_{iust} \cdot P_{it}}{RER_{just} \cdot P_{jt}} \quad (2)$$

RER_{iust} نرخ ارز اسمی کشور i با دلار آمریکا در زمان t است و RER_{just} نرخ ارز اسمی کشور j با دلار آمریکا در زمان t است. $\frac{P_{it}}{P_{jt}}$ نسبت سطح قیمت کشور i به کشور j می‌باشد.

$TRADE_{ijt}$: تراز تجاری بین دو کشور i و j در زمان t (برحسب هزار دلار)

$SIZE_{jt}$: اندازه دولت کشور j در زمان t (نسبتی از تولید ناخالص داخلی برحسب درصد)

FDI_{ijt} : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور j در کشور i (نسبتی از تولید ناخالص داخلی برحسب درصد)

R_{jt} : نرخ بهره کشور j در زمان t (درصد)

FF_{jt} : آزادی مالی کشور j در زمان t (درصد)

FE_{jt} : آزادی اقتصادی کشور j در زمان t (درصد)

¹ Baltagi

$GGOV_{jt}$: شاخص حکمرانی کشور z در زمان t (میانگین ساده شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد که در بازه $۲/۵$ - تا $۲/۵$ قرار دارد. مقدار بالاتر آن بهبود وضعیت و مقدار پایین تر آن وضعیت نامناسب را نشان می‌دهد).

INF_{jt} : تورم کشور z در زمان t (درصد سالانه)

$GINV_{jt}$: حجم سرمایه‌گذاری دولتی کشور z در زمان t (برحسب دلار)

i : کشور ایران، z : شرکای تجاری ایران شامل هفت کشور غرب آسیا (کشورهای کویت، اردن، پاکستان، ترکیه، امارات، قطر و ارمنستان) است و t : زمان را نشان می‌دهد. مدل تحقیق برای هر یک از گروه‌های کالایی فرش، خرما، انگور، گردو، پسته، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن برآورد می‌شود.

تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP_{jt})، تولید ناخالص داخلی سرانه کشور واردکننده به عنوان نماینده‌ای برای مقیاس و ابعاد اقتصادی است، انتظار می‌رود که تأثیر مثبت بر صادرات ایران به شرکای تجاری داشته باشد. بر این اساس، جریان تجاری ایران به سمت کشورهای سوق می‌یابد که ابعاد اقتصادی بزرگ‌تر و درآمد سرانه بالاتری داشته باشند. مقیاس اقتصادی بزرگ‌تر کشورهای طرف تجاری به دلیل داشتن مزیت نسبی در تولید کالاها به ورود کالاها با قیمت تمام شده پایین‌تر به داخل منجر خواهد شد. از طرف دیگر، درآمد سرانه بالاتر طرف‌های تجاری به مثابه وجود بازارهای با پتانسیل بالا در جذب کالاهای تولید داخل محسوب می‌شود. علامت مثبت ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای تجاری نشان می‌دهد که با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای تجاری و در نتیجه افزایش درآمد این کشورها، صادرات ایران به آنها افزایش می‌یابد. لذا با افزایش اندازه اقتصادی کشورهای مذکور و توان خرید مردم، تقاضا برای کالاهای صادراتی ایران افزایش می‌یابد.

نرخ ارز (RER_{ijt})، انتظار می‌رود که اثر نرخ ارز بر صادرات ایران به شرکای تجاری مثبت باشد. البته با توجه به شرایط متفاوت شرکای تجاری ایران، نرخ ارز می‌تواند بر صادرات برخی از کالاها معنی‌دار نباشد. علت این امر را می‌توان متفاوت بودن ساختار بازارها و نیز منبع تأمین نهاده‌ها در کشورهای مختلف دانست. نوع اثر نرخ ارز بر صادرات تحت تأثیر نوع بازار و منبع تأمین نهاده‌های تولیدی است. بنابراین بی‌اهمیت بودن این متغیر در تعیین میزان صادرات کالاها در مطالعه‌های بین‌المللی دور از انتظار نیست.

تراز تجاری ($TRADE_{ijt}$)، کشورهای با موانع تجاری کمتر سطح تجارت بالاتری دارند. زیرا هر چه کشور از اقتصاد بازتری برخوردار باشد، موقعیت مناسب‌تری جهت حضور در فعالیت‌های بین‌المللی دارد. با توجه به در نظر گرفتن تراز تجاری بین ایران و شرکای تجاری و زمینه‌های فعالیتی گسترده آن‌ها انتظار می‌رود که تأثیر تراز تجاری بر صادرات ایران به شرکای تجاری مثبت باشد.

اندازه دولت ($SIZEG_{jt}$) و حجم سرمایه‌گذاری دولتی ($GINV_{jt}$)، هر چه کشورها به سمت خصوصی سازی پیش روند و از سیستم دولتی و وابسته بودن به بودجه‌های دولتی فاصله بگیرند، روند رشد و توسعه آن‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بزرگ شدن دولت باعث اثرات برون رانی و خروج بخش خصوصی از اقتصاد می‌شود که اثر آن باعث کاهش تولید و تجارت خواهد بود و لذا انتظار می‌رود که اندازه دولت و حجم سرمایه‌گذاری دولتی بر صادرات ایران به شرکای تجاری تأثیر منفی داشته باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI_{ijt})، با توجه به سرریزهای دانش و تکنولوژی که منجر به افزایش تولید، تجارت و صادرات خواهد شد، انتظار می‌رود که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات ایران به شرکای تجاری مثبت باشد.

نرخ بهره (R_{jt})، افزایش نرخ بهره باعث افزایش هزینه تمام شده برای تولیدکننده می‌شود و بر این اساس قیمت نهایی کالای تولید شده در آن کشور بالا می‌رود و آن کشور بیشتر تمایل به افزایش واردات کالا از کشورهایی را دارد که با قیمت پایین‌تر و مقرون به صرفه‌تر بتواند وارد نماید. با توجه به شرایط کشور ایران از نظر ارزش پول نسبت به سایر شرکای تجاری انتظار می‌رود که تأثیر نرخ بهره بر صادرات ایران به شرکای تجاری مثبت باشد و با افزایش نرخ بهره در کشورهای شرکای تجاری حجم صادرات ایران به آن‌ها بیشتر شود. به عبارت دیگر، بر اساس تئوری‌های تولید افزایش نرخ بهره منجر به افزایش هزینه‌های تولید و بر اساس مدل‌های کلان اقتصادی سه بخشی، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه افزایش واردات کشورهای شریک تجاری از ایران می‌شود.

آزادی مالی (FF_{jt}) و آزادی اقتصادی (FE_{jt})، انتظار می‌رود که تأثیر آزادی مالی و آزادی اقتصادی بر صادرات ایران به شرکای تجاری مثبت باشد. این اثر مثبتی بر تئوری‌های آزادی اقتصادی و تجارت بر بهره‌وری و تولید در کشور می‌باشد که در نهایت می‌تواند حجم تجارت و صادرات را افزایش دهد.

شاخص حکمرانی ($GGOV_{jt}$)، انتظار می‌رود که شاخص حکمرانی به عنوان شاخص نمایانگر نهادهای سیاسی تأثیر مثبت بر صادرات ایران به شرکای تجاری داشته باشد. این موضوع بیانگر تأثیر عوامل غیر اقتصادی مثل کیفیت نهادهای سیاسی شامل حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت اجرای قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر میزان صادرات ایران به شرکای تجاری است که در ادبیات جدید تجارت بین‌الملل مورد توجه واقع شده است. نهادها، هزینه مبادلاتی در کشور را کاهش و شرایط صدور کالا از ایران به بازارهای هدف را تسهیل می‌کنند. نهادهای خوب به عنوان یک عامل پیش‌برنده در فضای تولید و صادرات مطرح هستند که با وجود آن‌ها انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی تقویت می‌شود.

تورم (INF_{jt})، افزایش تورم از کانال هزینه‌های تولید بر قیمت تمام شده کالا تأثیر می‌گذارد و تورم عاملی است که اکثر کشورها هر ساله با آن مواجه هستند. اگر نسبت رشد تورم در ایران بیشتر از کشورهای شریک تجاری باشد، باعث کاهش صادرات ایران به شرکای تجاری می‌شود. در کل انتظار می‌رود که تورم بر صادرات ایران به شرکای تجاری تأثیرگذار باشد، ولی می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی داشته باشد.

در مرحله برآورد مدل از اطلاعات تجاری ایران و شرکای تجاری آن طی سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۱۴) در سطح کالاهای با کد ۶ رقمی بر اساس طبقه‌بندی سیستم هماهنگ (HS) استفاده شده است. منبع گردآوری داده‌ها، مرکز WITS بانک جهانی^۱، سایت هریتیج^۲ و سایت بانک جهانی^۳ است. شرکای تجاری ایران شامل هفت کشور غرب آسیا (کویت، اردن، پاکستان، ترکیه، امارات، قطر و ارمنستان) است. کالاهای صادراتی مورد بررسی فرش، خرما، انگور، گردو، پسته، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن می‌باشند که بالاترین میزان حجم صادراتی به کشورهای غرب آسیا را تشکیل می‌دهند.

۴- برآورد مدل و تحلیل تجربی

به منظور آزمون تجربی فرضیه تحقیق، نخست با توجه به ماهیت الگوی داده‌ها لازم است تا در خصوص تلفیقی^۴ یا ترکیبی بودن داده‌ها^۵ اظهار نظر شود که بدین منظور از

^۱ WITS, World Integrate Trade Solution, Worldbank.

^۲ www.Heritage.org

^۳ www.worldbank.org

^۴ Panel Data

^۵ Pooling Data

آماره F لیمر^۱ استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (روش داده‌های ترکیبی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تلفیقی) قرار می‌گیرد:

$$H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha$$

حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است: H_1

چنانچه F محاسباتی از F جدول بزرگتر باشد، فرضیه H_0 (برابری عرض مبدأ) رد شده و استفاده از روش داده‌های تلفیقی تأیید می‌شود. نتایج حاصل از محاسبه آماره F لیمر در جدول (۱)، استفاده از روش داده‌های تلفیقی را برای الگوهای مختلف تأیید می‌کند.

جدول (۱): نتایج حاصل از محاسبه F لیمر در الگوهای مختلف

الگوها	گروه کالایی	آماره	احتمال	نتیجه
۱	فرش	۱۳/۴۴۴۳۹۶	۰/۰۱۹۶	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۲	خرما	۱۸/۱۷۲۲۱۵	۰/۰۰۲۷	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۳	انگور	۲۲/۴۸۸۷۳۰	۰/۰۰۱۰	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۴	گردو	۱۷/۷۹۰۹۳۹	۰/۰۰۳۲	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۵	پسته	۱۷/۷۱۸۸۹۲	۰/۰۰۳۵	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۶	فرآورده‌های نفتی	۱۶/۴۸۰۳۹۰	۰/۰۰۵۶	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۷	اتیلن گلیکول	۲۸/۴۰۴۶۴۵	۰/۰۰۰۰	تأیید روش داده‌های تلفیقی
۸	پلی اتیلن	۱۷/۶۰۱۹۲۵	۰/۰۰۴۱	تأیید روش داده‌های تلفیقی

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از تعیین نوع الگوی داده‌ها، لازم است در مورد روش‌های برآورد اثرات ثابت^۲ یا اثرات تصادفی^۳ تصمیم‌گیری شود که در این مورد از آزمون هاسمن^۴ استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن، ناهمبسته بودن^۵ اثرات انفرادی و متغیرهای توضیحی مورد آزمون قرار می‌گیرد به نحوی که اگر فرضیه H_0 را در این آزمون نتوان رد کرد، روش برآورد، اثرات تصادفی خواهد بود (بالتاجی^۶، ۲۰۰۵). جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون هاسمن را در الگوهای مختلف نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره برآوردی، استفاده از روش اثرات ثابت در برآورد الگوهای رگرسیون تأیید می‌شود.

¹ FLimer

² Fixed Effect

³ Random Effect

⁴ Hausman Test

⁵ Uncorrelated

⁶ Baltagi

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون هاسمن در الگوهای مختلف

الگو	گروه کالایی	نتیجه	آماره	احتمال
۱	فرش	اثرات ثابت	۲۹/۷۶۶۳۶۶	۰/۰۰۰۰
۲	خرما	اثرات ثابت	۲۱/۸۹۲۹۸۸	۰/۰۰۰۹
۳	انگور	اثرات ثابت	۲۰/۱۶۷۸۸۷	۰/۰۰۱۱
۴	گردو	اثرات ثابت	۳۰/۷۸۶۱۰۶	۰/۰۰۰۰
۵	پسته	اثرات ثابت	۳۲/۶۹۶۲۱۶	۰/۰۰۰۰
۶	فرآورده‌های نفتی	اثرات ثابت	۲۳/۶۵۳۱۲۷	۰/۰۰۰۳
۷	اتیلن گلیکول	اثرات ثابت	۲۳/۱۰۳۵۲۵	۰/۰۰۰۴
۸	پلی اتیلن	اثرات ثابت	۲۰/۱۲۹۵۰۶	۰/۰۰۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

در مرحله بعد با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های F لیمر و هاسمن، مدل فوق با استفاده از روش داده‌های تلفیقی تصریح شده در گروه‌های مختلف کالایی که شامل الگوی ۱ (فرش)، الگوی ۲ (خرما)، الگوی ۳ (انگور) و الگوی ۴ (گردو) می‌باشد، به صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است.

نتایج حاصل از تخمین چهار الگوی برآوردی در جدول (۳) نشان می‌دهند، اثر متغیر توضیحی حکمرانی به عنوان شاخص نمایانگر نهادهای سیاسی بر صادرات کالاهای فرش، خرما، انگور و گردو از ایران به کشورهای غرب آسیا مثبت و معنی‌دار به دست آمده است. این یافته بیانگر تأثیر عوامل غیر اقتصادی مانند نهادهای سیاسی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت اجرای قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر میزان صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی است. نهادها، هزینه مبادلاتی در کشور را کاهش و شرایط صدور کالا از ایران به بازارهای هدف را تسهیل می‌کنند. طبق نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق، ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه کشور واردکننده بر صادرات کالاهای فرش، خرما، انگور و گردو ایران اثر مثبت و معنی‌داری دارد و اثر نرخ ارز نیز بر صادرات کالاهای خرما، انگور و گردو مثبت و معنی‌دار است. بر این اساس، افزایش نرخ ارز از کانال افزایش درآمد صادرکنندگان موجب افزایش انگیزه‌های صادراتی کالاهای مورد بررسی در سال‌های مطالعه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، اثر تراز تجاری بر صادرات کالاهای فرش، خرما، انگور و گردو مثبت و معنی‌دار به دست آمده است. این موضوع حکایت از آن دارد که افزایش تجارت که همراه افزایش ورود تکنولوژی، فن‌آوری و ماشین‌آلات و دانش لازم برای توسعه ظرفیت‌های تولیدی و صادرات می‌باشد، میزان سطح صادرات این کالاها را افزایش داده

است. نتایج الگوهای برآوردی، رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای آزادی اقتصادی و آزادی مالی با صادرات ایران به شرکای تجاری را تأیید می‌کند که نشان‌دهنده اثر مثبت نهادهای حاکم بر بازارهای اقتصادی بر صادرات است. همچنین رابطه مثبت و معنی‌دار بین نرخ بهره با صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی در اغلب مدل‌های برآوردی، رابطه منفی بین تورم، حجم سرمایه‌گذاری دولتی و اندازه دولت با صادرات از جمله دیگر نتایج است که انعکاسی از اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشور است.

جدول (۳): نتایج برآورد اثر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای تجاری غرب

آسیا طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۴ در الگوهای اول تا چهارم

متغیر	الگوی ۱	الگوی ۲	الگوی ۳	الگوی ۴
عرض از مبدأ (C)	-۴/۲۹۰۱۹۳ (-۱/۰۴۷۲۳۳)	-۵/۲۲۴۱۳۲ (-۰/۶۸۴۹۸۶)	۲/۳۰۸۰۱۲** (۲/۱۳۲۷۶۴)	-۳/۴۰۴۳۲۶*** (-۳/۲۵۵۳۷۲)
تولید ناخالص داخلی سرانه کشور مهمان (GDP _{ijt})	۱/۱۱۱۳۴۱** (۲/۴۰۹۸۳۴)	۱/۲۳۵۳۴۵*** (۳/۷۲۵۴۷۰)	۰/۵۲۰۰۴۵* (۱/۹۹۸۰۹۴)	۱/۵۵۴۴۰۵*** (۳/۷۴۹۲۲۶)
نرخ ارز دوجانبه (RER _{ijt})	۰/۱۸۳۹۷۱ (۰/۹۷۲۸۴۳)	۰/۰۹۸۰۴۳* (۱/۸۲۳۰۲۹)	۰/۴۰۷۳۳۶*** (۳/۶۲۴۴۴۷)	۰/۳۱۴۰۰۲** (۲/۰۸۱۸۲۴)
تراز تجاری (TRADE _{ijt})	۰/۳۴۹۲۴۷** (۲/۴۹۷۰۴۹)	۰/۵۹۲۷۲۶*** (۲/۸۹۷۰۲۵)	۰/۸۳۲۴۷۸*** (۲/۶۵۹۳۶۳)	۱/۶۸۶۰۹۳** (۲/۱۷۸۶۰۳)
اندازه دولت کشور مهمان (SIZEG _{ijt})	-۰/۲۱۳۷۵۳ (-۰/۱۵۰۹۴۹)	-۱/۶۲۲۵۰۷*** (-۳/۹۱۸۵۴۶)	-۰/۸۶۳۱۰۱ (-۰/۶۵۴۰۱۸)	-۱/۷۰۱۱۳۲*** (-۳/۰۳۱۵۹۲)
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI _{ijt})	۰/۱۰۴۵۴۶ (۱/۱۵۸۷۴۰)	۰/۰۰۳۶۵۸ (۰/۲۰۸۷۵۱)	۰/۰۷۰۹۲۵ (۰/۷۵۵۵۶۴)	۰/۳۴۶۲۴۰*** (۲/۶۱۳۹۹۲)
نرخ بهره کشور مهمان (R _{ijt})	۱/۹۲۰۱۶۸*** (۲/۷۶۴۱۴۴)	۱/۶۰۳۱۳۲*** (۲/۹۵۱۶۷۲)	۰/۴۸۳۵۸۶ (۰/۴۸۳۰۰۸)	۱/۶۸۵۴۹۸** (۲/۴۱۶۷۸۵)
آزادی مالی کشور مهمان (FF _{ijt})	۰/۰۷۵۲۷۳** (۲/۰۲۸۷۸۳)	۱/۴۴۵۲۶۰** (۲/۲۹۷۲۳۶)	۱/۷۶۰۳۳۷** (۲/۰۱۱۴۳۶)	۱/۹۴۵۴۸۷*** (۲/۸۰۶۱۳۴)
آزادی اقتصادی کشور مهمان (FE _{ijt})	۱/۰۸۴۱۳۱*** (۲/۶۲۲۲۰۹)	۱/۷۷۷۰۸۳*** (۲/۵۷۵۷۸۸)	۱/۵۵۸۹۸۱*** (۲/۶۷۸۲۰۸)	۱/۲۶۵۲۲۱*** (۲/۹۰۲۱۶۷)
شاخص حکمرانی کشور مهمان (GGOV _{ijt})	۱/۰۱۹۶۱۱*** (۲/۸۹۲۳۲۲)	۱/۵۳۲۰۳۰*** (۲/۷۴۵۱۴۹)	۱/۱۵۸۰۴۸** (۲/۱۹۸۱۹۳)	۱/۶۷۴۵۵۴** (۲/۲۲۰۹۶۴)
تورم کشور مهمان (INF _{ijt})	-۱/۳۳۴۳۵۱** (-۲/۲۶۵۷۷۷)	-۰/۱۲۹۶۹۱ (-۰/۹۸۰۵۴۷)	-۰/۶۸۳۶۸۳*** (-۳/۴۸۵۶۴۵)	-۱/۲۰۰۱۸۹*** (-۲/۷۴۷۴۵۲)
سرمایه‌گذاری دولتی کشور مهمان (GINV _{ijt})	-۰/۶۹۰۱۷۵ (-۱/۶۵۶۵۶۳)	-۰/۷۷۷۷۹۵*** (-۳/۹۴۳۲۹۸)	-۱/۴۴۹۶۷۰*** (-۲/۹۲۹۵۵۷)	-۰/۷۸۷۸۸۵** (-۲/۴۳۴۸۴۶)
ضریب تعیین (R ²)	۰/۹۷۵۲۷۶	۰/۹۷۵۰۷۳	۰/۹۶۹۸۵۶	۰/۹۶۹۷۹۵
آماره F	۱۵۳/۲۱۸۰	۲۵۷/۰۳۳۵	۱۴۶/۴۸۶۱	۱۹۷/۱۴۷۲
معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰

علامت‌های *، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده معنادار بودن ضرایب در سطوح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

منبع: یافته‌های تحقیق، اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد.

در مرحله بعد با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های F لیمر و هاسمن، مدل فوق با استفاده از روش داده‌های تلفیقی تصریح شده در گروه‌های مختلف کالایی که شامل الگوی ۵ (پسته)، الگوی ۶ (فرآورده‌های نفتی)، الگوی ۷ (اتیلن گلیکول) و الگوی ۸ (پلی اتیلن) می‌باشد، به صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است. طبق اطلاعات جدول (۴) متغیر توضیحی حکمرانی به عنوان شاخص بیانگر نهادهای سیاسی، دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات کالاهای پسته، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن از ایران به شرکای تجاری غرب آسیا در تمامی الگوهای برآوردی است. بهبود کیفیت نهادهای سیاسی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت اجرای قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، شرایط حاکم بر فضای تولید و معاملات را به سمت رقابت اقتصادی بیشتر و کاهش انحصارات سوق می‌دهد که در این شرایط به دلیل تخصص‌گرایی ارتقاء سطح کارایی اقتصادی، امکانات بیشتری برای ورود کشور به بازارهای جهانی فراهم می‌شود. همچنین با وجود نهادهای سیاسی بهتر، کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی به واحدهای اقتصادی ارتقاء می‌یابد که در این شرایط انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در امور تولید با تمرکز بر صادرات بیشتر فراهم می‌شود. حاکمیت قانون، کنترل فساد و اجرای بهتر قانون و مقررات نیز موجب فراهم شدن فرصت‌های برابر اقتصادی، جلوگیری از فرصت‌های رانت‌جویی، عملکرد بهتر سازمان‌های دولتی ارائه دهنده خدمات به فعالان اقتصادی، حذف مراحل اداری غیر ضروری و کاهش هزینه‌های مبادلاتی در معامله‌های اقتصادی خواهد شد که در این شرایط هزینه صادرات کاهش و انگیزه فعالان اقتصادی در ورود به بازارهای جهانی تقویت می‌شود.

نتایج الگوهای برآوردی، رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای آزادی اقتصادی و آزادی مالی با صادرات کالاهای پسته، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن از ایران به شرکای تجاری را تأیید می‌کند که این یافته نیز نشان‌دهنده اثر مثبت نهادهای حاکم بر بازارهای اقتصادی بر صادرات است. اثر مثبت و معنی‌دار تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ ارز به ترتیب به عنوان علت و محرک فعالیت‌های صادراتی، اثر مثبت و معنی‌دار تراز تجاری و نرخ بهره بر صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی در مدل‌های برآوردی و اثر منفی اندازه دولت، حجم سرمایه‌گذاری دولتی و تورم بر صادرات از جمله دیگر نتایج است که انعکاسی از اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشور می‌باشد.

جدول (۴): نتایج برآورد اثر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای تجاری غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۴ در الگوهای پنجم تا هشتم

الگوی ۸	الگوی ۷	الگوی ۶	الگوی ۵	متغیر
۲/۱۸۴۷۷۶ (۱/۱۴۲۵۸۸)	۲/۲۶۴۷۱۵ (۰/۱۵۹۸۱۳)	-۳/۳۲۸۹۵۴** (-۲/۲۳۴۰۲۳)	۵/۹۴۲۷۴۶*** (۳/۲۶۴۳۵۹)	عرض از مبدأ (C)
۱/۰۴۹۷۲۲*** (۳/۶۸۳۹۸۳)	۱/۸۰۷۴۲۴*** (۲/۵۳۹۰۹۲)	۰/۷۹۶۷۷۹*** (۲/۶۳۰۷۲۴)	۰/۸۲۵۳۵۷*** (۳/۰۳۴۹۹۰)	تولید ناخالص داخلی سرانه کشور مهمان (GDP _{jt})
۰/۶۸۶۲۶۹*** (۳/۳۲۸۱۸۹)	۰/۲۶۳۴۵۱ (۰/۷۲۰۷۵۸)	۰/۲۹۲۱۹۳** (۲/۰۷۹۹۲۶)	۰/۳۶۳۰۴۹*** (۳/۲۴۷۲۲۱)	نرخ ارز دوجانبه (RER _{ijt})
۱/۷۸۱۵۵۱*** (۳/۹۴۲۷۵۰)	۰/۳۱۹۳۷۳*** (۲/۵۵۹۲۵۵)	۰/۲۷۴۵۱۸*** (۲/۶۲۷۰۸۴)	۰/۸۷۳۷۶۸*** (۳/۲۵۶۱۳۲)	تراز تجاری (TRADE _{ijt})
-۱/۲۶۹۳۶۵*** (-۳/۲۸۲۴۱۹)	-۱/۲۲۳۵۲۱ (-۱/۵۶۶۷۲۲)	-۱/۱۲۰۷۵۶ (-۱/۵۶۸۱۵۶)	-۱/۰۶۶۷۳۹** (-۲/۰۴۶۲۶۲)	اندازه دولت کشور مهمان (SIZEG _{jt})
۰/۰۲۲۶۳۵*** (۲/۹۳۵۰۰۷)	۰/۱۹۳۱۹۰*** (۲/۵۵۱۹۰۰)	۰/۰۳۱۶۵۳*** (۲/۵۳۹۲۳۱)	۰/۰۰۱۶۴۰ (۰/۰۱۷۴۲۵)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI _{ijt})
۱/۰۳۳۴۷۳*** (۳/۵۶۲۲۳۷)	۱/۷۳۵۶۳۶*** (۳/۰۷۳۱۰۵)	۱/۳۰۶۴۷۲*** (۳/۵۱۷۱۲۴)	۱/۹۰۹۰۹۴*** (۲/۷۷۳۵۰۴)	نرخ بهره کشور مهمان (R _{jt})
۱/۵۳۴۰۶۷*** (۳/۷۶۹۰۲۵)	۱/۸۹۴۷۲۹** (۲/۲۸۳۳۹۵)	۱/۴۶۴۴۵۱** (۲/۱۵۴۸۱۰)	۱/۳۷۰۹۸۸*** (۳/۹۰۰۲۹۷)	آزادی مالی کشور مهمان (FF _{jt})
۱/۸۸۳۵۰۶*** (۲/۶۰۷۸۵۲)	۱/۹۷۴۲۲۱* (۱/۸۴۳۷۵۲)	۱/۵۷۷۳۱۵* (۱/۹۸۲۴۳۰)	۱/۳۵۰۸۲۹** (۲/۱۵۹۰۴۱)	آزادی اقتصادی کشور مهمان (FE _{jt})
۱/۵۲۵۵۳۱*** (۳/۵۶۹۶۷۱)	۱/۷۷۰۱۴۲*** (۲/۶۱۴۲۱۳)	۱/۶۴۱۵۲۳* (۱/۸۷۴۶۱۵)	۱/۳۶۱۳۴۸*** (۳/۳۶۹۷۸۵)	شاخص حکمرانی کشور مهمان (GGOV _{jt})
-۰/۰۷۲۴۰۸ (-۰/۴۹۸۷۷۷)	-۰/۶۲۵۷۴۲* (-۱/۸۲۵۸۸۹)	-۰/۳۸۳۵۴۱ (-۱/۰۹۱۴۲۴)	-۰/۱۰۸۹۸۳ (-۱/۴۲۲۳۸۲)	تورم کشور مهمان (INF _{jt})
-۱/۷۳۵۰۱۴*** (-۳/۴۸۴۳۹۸)	-۰/۱۷۴۷۴۶ (-۰/۱۰۷۶۵۲)	-۰/۶۹۵۹۰۲*** (-۲/۲۵۴۷۰۳)	-۱/۲۹۵۲۱۲*** (-۳/۸۵۵۹۸۶)	حجم سرمایه‌گذاری دولتی کشور مهمان (GINV _{jt})
۰/۹۷۹۲۲۸	۰/۹۵۹۹۰۰	۰/۹۶۹۴۰۷	۰/۹۷۸۵۸۴	ضریب تعیین (R ^۲)
۱۷۷/۰۱۷۲	۱۲۹/۵۸۵۲	۱۱۸/۸۷۵۷	۲۴۱/۰۱۷۷	آماره F
۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	معناداری آماره F

علامت‌های *، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده معنادار بودن ضرایب در سطوح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

منبع: یافته‌های تحقیق، اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج حاصل از تخمین هشت الگوی برآوردی که در جداول (۳) و (۴) نشان داده شده‌اند، ضریب تعیین مدل‌های برآوردی در سطح بالایی قرار دارد که بیانگر درجه بالای توضیح‌دهندگی مدل‌ها است. همچنین مقدار بالای آماره F در مدل‌های برآوردی، معنی‌داری کلی آن‌ها را تأیید می‌کند.

اثر متغیر توضیحی حکمرانی به عنوان شاخص نمایانگر نهادهای سیاسی بر صادرات ایران به شرکای تجاری غرب آسیا مثبت و معنی‌دار به دست آمده است. این یافته بیانگر تأثیر عوامل غیر اقتصادی مثل کیفیت نهادهای سیاسی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت اجرای قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر میزان صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی است که این موضوع در ادبیات جدید تجارت بین‌الملل مورد توجه واقع شده است. نهادها، هزینه مبادلاتی در کشور را کاهش و شرایط صدور کالا از ایران به بازارهای هدف را تسهیل می‌کنند. نهادهای خوب به عنوان یک عامل پیش‌برنده در فضای تولید و صادرات مطرح هستند که با وجود آن‌ها انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی تقویت می‌شود. تأثیر مثبت شاخص حکمرانی بر صادرات در مطالعه‌های آراجو و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، فرانسویس و مانچین (۲۰۱۳)، گانی و پراساد (۲۰۰۶)، اندرسون و مارکویلر (۲۰۰۲)، دی گروت و همکاران (۲۰۰۳)، کیمیایی و ارباب‌افزلی^۲ (۱۳۹۵) و آذربایجانی و همکاران (۱۳۸۹) نیز به نحوی مورد تأیید قرار گرفته است.

ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه کشور واردکننده به عنوان نماینده‌ای برای مقیاس و ابعاد اقتصادی بر صادرات کالاها از ایران اثر مثبت و معنی‌داری دارد. بر این اساس، جریان تجاری ایران به سمت کشورهایی سوق می‌یابد که ابعاد اقتصادی بزرگ‌تر و درآمد سرانه بالاتری داشته باشند. مقیاس اقتصادی بزرگ‌تر کشورهای طرف تجاری به دلیل داشتن مزیت نسبی در تولید کالاها به ورود کالاها با قیمت تمام شده پایین‌تر به داخل منجر خواهد شد. از طرف دیگر، درآمد سرانه بالاتر طرف‌های تجاری به مثابه وجود بازارهای پتانسیل بالا در جذب کالاهای تولید داخل محسوب می‌شود. علامت مثبت ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای تجاری غرب آسیا نشان می‌دهد که با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای تجاری و در نتیجه افزایش درآمد این کشورها، صادرات ایران به آن‌ها افزایش می‌یابد. لذا با افزایش اندازه اقتصادی کشورهای مذکور و توان خرید مردم،

^۱ Araujo et al.

^۲ Kimiaei and Arbab Afzali (2016)

تقاضا برای کالاهای صادراتی ایران افزایش می‌یابد. این یافته بر نتایج مطالعه‌های اگر^۱ (۲۰۰۲) و گروسمن و هلپمن^۲ (۲۰۰۵) منطبق است که بر اساس آن تولید کالاهای با توان رقابتی بیشتر اثر مثبتی بر تجارت دوجانبه دارد.

طبق نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق، اثر نرخ ارز بر صادرات کالاهای خرما، انگور، گردو، پسته، فرآورده‌های نفتی و پلی اتیلن مثبت و معنی‌دار و اثر تورم بر صادرات کالاهای فرش، انگور، گردو و اتیلن گلیکول منفی و معنی‌دار به دست آمده است. وقتی متغیر نرخ ارز حقیقی یک درصد افزایش یابد، میزان تقاضای صادرات ایران افزایش می‌یابد و از طرفی هر قدر نرخ ارز حقیقی بیشتر شود، کالاهای ایرانی برای مصرف کننده خارجی ارزان تر شده و لذا تقاضا برای کالاهای ایرانی افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه افزایش نرخ ارز از کانال افزایش درآمد صادرکنندگان موجب افزایش انگیزه‌های صادراتی و افزایش تورم از کانال هزینه‌های تولید موجب کاهش انگیزه صادرکنندگان کالاهای مورد بررسی در سال-های مطالعه شده است، این یافته با نتایج مطالعه‌های کیمیایی و ارباب افضلی (۱۳۹۵) و پیریایی و همکاران^۳ (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد اثر تراز تجاری بر صادرات کالاهای فرش، خرما، انگور، گردو، پسته، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن مثبت و معنی‌دار به دست آمده است. این موضوع حکایت از آن دارد که افزایش تجارت که همراه افزایش ورود تکنولوژی، فن‌آوری و ماشین‌آلات و دانش لازم برای توسعه ظرفیت‌های تولیدی و صادرات می‌باشد، میزان سطح صادرات این کالاها را افزایش داده است.

بر اساس نتایج برآوردی، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای گردو، فرآورده‌های نفتی، اتیلن گلیکول و پلی اتیلن طبق انتظار مثبت و معنی‌دار به دست آمده است. این نتیجه نشان‌دهنده جهت‌گیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت صادرات در ایران است و بیانگر این مطلب است که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند صادرات ایران را افزایش دهد. این یافته با نتایج مطالعه‌های انجام شده توسط سکابیک و ارلیک^۴ (۲۰۰۷)

¹ Egger

² Grossman and Helpman

³ Pirae et al. (2015)

⁴ Skabic and Orlic

و لیتائو و فوستینو^۱ (۲۰۱۰) که در آن‌ها بر ارتباط مثبت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت اشاره شده است، سازگاری دارد.

همچنین رابطه مثبت و معنی‌دار بین نرخ بهره با صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی در اغلب مدل‌های برآوردی و رابطه منفی بین اندازه دولت و حجم سرمایه‌گذاری دولتی با صادرات از جمله دیگر نتایج مدل‌های برآوردی است که انعکاسی از اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشور می‌باشد.

نتایج الگوهای برآوردی، رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای آزادی اقتصادی و آزادی مالی با صادرات ایران به شرکای تجاری را تأیید می‌کند که این یافته نیز نشان‌دهنده اثر مثبت نهادهای حاکم بر بازارهای اقتصادی بر صادرات است. در واقع آزادی اقتصادی به عنوان نهاد کلیدی مؤثر بر تحریک انگیزش‌های مردم به تولید، نوآوری و خلاقیت در امور اقتصادی و فعالیت‌های تجاری، می‌تواند موجب صادرات بیشتر شود. آزادی مالی، قیود و مقررات بازارهای مالی که تأمین‌کننده منابع مالی لازم جهت فعالیت‌های اقتصادی هستند را در سطح پایین‌تری قرار می‌دهد که این مسأله می‌تواند موجب تولید و صادرات بیشتر شود. این یافته با نتایج مطالعه رضازاده کارسالاری و رحیمیان بوگر (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نهادهای شرایط لازم در انجام فعالیت‌های سودآور اقتصادی را فراهم می‌کنند و می‌توانند انگیزه مردم برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را تقویت کنند. در این تحقیق اثر نهادهای سیاسی شامل شاخص‌های کیفیت نهادی، به همراه آزادی اقتصادی و مالی و دیگر عوامل اقتصادی بر صادرات ایران به هفت شریک تجاری حوزه غرب آسیا (کویت، اردن، پاکستان، ترکیه، امارات، قطر و ارمنستان) در سطح کالاهای با کد شش رقمی بر اساس طبقه‌بندی سیستم هماهنگ (HS) در چارچوب الگوی جاذبه با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی و تحلیل تجربی قرار گرفت. بر اساس نتایج تحقیق، عوامل اقتصادی بر گسترش صادرات دارای اثرات معنی‌داری هستند به نحوی که برنامه دولت در زمینه کاهش تورم و نرخ بهره، افزایش تولید و بهبود تراز تجاری کشور موجب افزایش صادرات می‌شود.

همچنین نتایج حاصل از تخمین هشت الگوی برآوردی نشان داد، کیفیت نهادهای سیاسی، شاخص‌های آزادی اقتصادی و آزادی مالی دارای اثر مثبت بر صادرات ایران به

¹ Leitao and Faustino

کشورهای مورد بررسی هستند که این اثر در سطح بالای معنی‌داری تأیید می‌شود. در واقع، بهبود کیفیت نهادها همراه با آزادی اقتصادی و آزادی مالی بیشتر، هزینه‌های تجاری برای فعالان اقتصادی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش صادرات و ورود بیشتر آن‌ها به بازارهای جهانی می‌شود. بیان دیگر این یافته آن است که اگر صادرات کالایی به عنوان منبع مهم درآمد‌های ارزی در استراتژی‌های بازرگانی کشور تلقی می‌شود، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و فراهم‌سازی شرایط مناسب نهادی و سیاسی یکی از عوامل مهم در تحقق این هدف است که غفلت از آن امکانات صادراتی کشور را کاهش خواهد داد. کاهش صادرات نیز منجر به کاهش منابع ارزی کشور و محدودیت‌های مالی در اجرای سیاست‌های تخصیصی، تثبیتی و توزیعی دولت خواهد شد.

بر اساس نتایج می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌توانند بازار مناسبی جهت فروش و عرضه صادرات ایران باشند، صادرکنندگان بایستی با رعایت اصول بازاریابی و شناخت کافی از بازارهای جهانی محصول خود را صادر کنند.
- یکی از ابزارهای مهم در تحقق استراتژی‌های توسعه صادرات، تقویت نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور می‌باشد. با نزدیک‌تر شدن عملکرد دولت‌ها به شاخص‌های حکمرانی خوب که در نتیجه آن کیفیت قانون‌گذاری‌ها و پایبندی به قوانین، میزان شفافیت و پاسخگویی در بخش‌های حاکمیتی و سطح مبارزه با فساد اقتصادی ارتقاء می‌یابند و ثبات سیاسی در جامعه حاکم می‌شود، توان تولیدی و صادراتی کشور افزایش خواهد یافت.
- تلاش در جهت اصلاح ساختار سازمان‌های دولتی، رفع بوروکراسی، سیاست‌زدایی از نظام اداری و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال سازمان‌های غیر دولتی جامعه مدنی، شرایط کنترل فساد در جامعه را فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

۱. احمدزاده، خالد، یآوری، کاظم، عساری آرانی، عباس، و سحابی، بهرام (۱۳۹۲). بررسی عوامل نهادی و همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه صادرات خدمات. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۸(۳)، ۱۶۵-۱۹۱.
۲. آذربایجانی، کریم، سمیعی، ندا، و شیرازی، همایون (۱۳۸۹). اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاورمیانه. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۵(۴۵)، ۱-۲۳.
۳. پیرایی، خسرو، تاسان، مونا، و دانش نیا، محمد (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ ارز حقیقی و آزادسازی اقتصادی بر صادرات غیر نفتی ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۵۰(۱)، ۷۵-۹۸.
۴. دادگر، یدالله، و ندیری، محمد (۱۳۹۳). تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲(۷)، ۱-۲۰.
۵. دادگر، یدالله، نظری، روح اله، و صیامی عراقی، ابراهیم (۱۳۹۲). دولت و مالیات بهینه در اقتصاد بخش عمومی و کارکرد دولت و مالیات در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران*، ۲(۵)، ۱-۲۹.
۶. رضازاده کارسالاری، عباس، و رحیمیان بوگر، سجاد (۱۳۹۴). بررسی رابطه کیفیت محیط نهادی، رانت منابع طبیعی و رشد صادرات در منتخبی از کشورهای در حال توسعه با استفاده از رویکرد پانل دیتا. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۳(۷۵)، ۱۸۷-۲۱۰.
۷. سبحانی، حسن، و بیات، سعید (۱۳۹۳). مقایسه تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی. *فصلنامه علمی-پژوهشی، برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹(۱)، ۱۵۱-۱۷۸.
۸. شاکری، محبوبه، جعفری صمیمی، احمد، و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۳). ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۶(۲۱)، ۹۳-۱۰۷.
۹. شریفی رناتی، حسین، و ملا اسمعیلی دهشیری، حسن (۱۳۹۲). اثر نهادها بر صادرات غیر نفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، ۸(۳۲)، ۱۹۳-۲۱۵.
۱۰. کیمیایی، فاطمه، و ارباب افزلی، محمد (۱۳۹۵). تأثیر حکمرانی و عوامل اقتصاد دانش‌بنیان بر صادرات اقتصادهای نوظهور. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۴(۱۳)، ۹۵-۱۱۴.

۱۱. مداح، مجید، و دل‌قندی، مزده (۱۳۹۲). بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خود رگرسیون برداری در داده‌های تابلویی). *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۰(۶)، ۱۳۳-۱۵۷.
۱۲. نورث، داگلاس (۱۳۸۵). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. مترجم محمد رضا معینی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران، چاپ دوم.
۱۳. هراتی، جواد، بهراد امین، مهدی، و کهرازه، ساناز (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران (کاربرد الگوی جاذبه). *فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۲۹-۲۱(۶)، ۴۶-۲۹.
1. Ahmadzadeh, K., Yavari, K., Assari Arani, A., and Sahabi, B. (2013). The study of institutional factors and regional integration on services export. *Journal of Economic Research (Tahghighat-e-Eghtesadi)*, 48(3), 165-191 (In Persian).
 2. Anderson, J., and Marcouiller, D. (2002). Insecurity and the pattern of trade: An empirical investigation. *The Review of Economics and Statistics*, 84, 342-352.
 3. Araujo, L., Mion, G., and Ornelas, E. (2016). Institutions and export dynamics. *Journal of International Economics*, 98, 2-20.
 4. Azarbayjani, K., Samiei, N., and Shirazi, H. (2011). The effect of institutions on bilateral trade of selected countries in the Middle East. *Quarterly Iranian Economic Research*, 15(45), 1-23 (In Persian).
 5. Baltagi, B. (2005). *Econometric analysis of panel data*. Thidr Edition.
 6. Baltagi, B. H. (2001). *Econometric analysis of panel data*. Second Edition, Wiley, New York.
 7. Blanco, L. (2013). Finance, growth, and institutions in Latin America: What are the links?. *Latin American Journal of Economics*, 50(2), 179-208.
 8. Cass, D. (1965). Optimum growth in an aggregate model of capital accumulation. *Review of Economic Studies*, 32(3), 233-240.
 9. Coase, R. (1937). The nature of the firm. *Economica*, 4(16), 386-405.
 10. Coe, D. T., Helpman, E., and Hoffmaister, A. W. (2009). International R&D spillovers and institutions. *European Economic Review*, 53(7), 423-451.
 11. Crabbe, K., and Beine, M. (2009). Trade, institutions and export specialization. *LICOS Discussion Paper Series*, 234, 1-48.
 12. Dadgar, Y., and Nadiri, M. (2014). Evaluating the role of property rights institutions and contracting institutions on economic growth, emphasizing Iran. *Quarterly Journal Management System*, 2(7), 1-21 (In Persian).
 13. Dadgar, Y., Nazari, R., and Siami Eraghi, E. (2013). Optimum government and tax in public sector economics and in Iran. *Applied Economics Studies in Iran*, 2(5), 1-27 (In Persian).

14. De Groot, H. L. F., Linders, G. J., Rietveld, P., and Subramanian, U. (2003). The institutional determinants of bilateral trade patterns. *World Bank*, Washington, 57(1), 103-123.
15. Deardorff, A.V. (1998). Determinants of bilateral trade: Does gravity work in a neoclassical world?. Edited by: J. A. Frankel, *The Regionalization of the World Economy*, Chicago: University of Chicago Press.
16. Egger, P. (2002). An econometric view on the estimation of gravity models and the calculation of trade potentials. *World Economy*, 25(2), 297-312.
17. Francois, J., and Manchin, M. (2013). Institutions, infrastructure, and trade. *World Development*, 46, 165-175.
18. Gani, A., and Prasad, B. C. (2006). Institutional quality and trade in Pacific Island countries, Asia Pacific research and training network on trade. *Working Paper Series*, No.20.
19. Goedhuys, M., and Sleuwaegen, L. (2016). International standards certification, institutional voids and exports from developing country firms. *International Business Review*, Available Online 6 May 2016, In Press, Corrected Proof-Note to Users, doi:10.1016/j.ibusrev.2016.04.006.
20. Grossman, G., and Helpman, E. (2005). A protectionist bias in majoritarian politics. *Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1139-1282.
21. Gujarati, D. N. (2003). *Basic econometrics*. Fourth Edition, New York: McGraw Hill.
22. Harati, J., Behrad Amin, M., and Kahrazeh, S. (2015). A study of the factors affecting Iran's export (gravity model application). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 6(21), 29-46 (In Persian).
23. Helpman, E., and Krugman, P. R. (1985). Market structure and foreign trade: Increasing returns, imperfect competition and the international economy. Cambridge, Mass: MIT Press.
24. Kaufmann, D., Kraay, A., and Mastruzzi, M. (2004). Governance matters III: Governance indicators for 1996, 1998, 2000, and 2002. *The World Bank Economic Review*, 18(2), 253-87.
25. Kaufmann, D., Kraay, A., and Mastruzzi, M. (2010). Governance matters: The worldwide governance indicators, aggregate indicators of governance 1996-2010. URL: <http://www.govindicators.org>
26. Kimiaei, F., Arbab Afzali, M. (2016). The impacts of governance and knowledge bases factors on emerging economies exports. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 4(13), 95-114 (In Persian).
27. Knack, P., and Keefer, S. (1995). Institutions and economic performance: Cross country tests using alternative institutional measures. *Economics and Politics*, 7(3), 207-227.
28. Leitao, N. C., and Faustino, H. (2010). Portuguese foreign direct investment inflows: An empirical investigation. *International Research Journal of Finance and Economics*, 38, 190-197.

29. Levchenko, A. (2007). Institutional quality and international trade. *The Review of Economic Studies*, 74(3), 791-819.
30. Maddah, M., and Delghandi, M. (2013). Investigating the effect of institutions quality and performance of economic policies on foreign direct investment in G8 and OPEC countries (panel vector autoregressive approach). *Journal of Economy and Regional Development*, 20(6), 133-157 (In Persian).
31. Mody, A., and Yilmaz, K. (2002). Imported machinery for export competitiveness. *The World Bank Economic Review*, 16(1), 23-48.
32. North, D. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*. Edited by: Mohammad Reza Moeini, Publications of Organization of Management and Planning of the Country, Second Edition, Tehran (In Persian).
33. Pirae, K., Tasan, M., and Daneshnia, M. (2015). The effect of foreign direct investment, real exchange rate and economic liberalization on non – oil exporting in Iran (using Toda Yamamoto causality test). *Journal of Economic Research (Tahghighat-e-Eghtesadi)*, 50(1), 75-98 (In Persian).
34. Posner, M. V. (1961). International trade and technical change. *Oxford Economic Papers*, 13(3), 323-341.
35. Poyhonen, P. (1963). A tentative model for the volume of trade between countries. *Weltwirtschaftliches Archiv*, 90(1), 93-99.
36. Prabir, D. (2010). Does governance matter for enhancing trade? Empirical evidence from Asia. *Research and Information System for Developing Countries*, Core IVB, Fourth Floor, India Habitat Centre Lodhi Road, New Delhi-110 003, India.
37. Rezazadeh Karsalari, A., and Rahimian Bouger, S. (2016). The relationship between institutional quality, natural resource rents and export growth in some selected developing countries using panel data approach. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 23(75), 187-210 (In Persian).
38. Rodrik, D. (1997). Trade strategy, investment and exports: Another look at East Asia. *Pacific Economic Review*, 2(1), 1-24.
39. Shakeri, M., Jafari Samimi, A., and Karimi Moughari, Z. (2015). The relationship between institutional variables and economic growth: Introducing a new institutional measure for Middle East and North Africa (MENA). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 6(21), 93-106 (In Persian).
40. Sharifi Renani, H., and Mollaesmaeili Dehshiri, H. (2013). Analyzing the impact of institutions on the non-oil export of selected oil exporting countries. *Quarterly Journal of New Economy and Commerce*, 8(32), 193-215 (In Persian).

41. Sheng, L., and Yang, D. T. (2015). Expanding export variety: The role of institutional reforms in developing countries. *Journal of Development Economics*(2015), doi: 10.1016/j.jdeveco.2015.08.009.
42. Skabic, I., and Orlic, E. (2007). Determinants of FDI in CEE and Western Balkman countries (Is accession to the EU important for attracting FDI?). *Economic and Business Review*, 9(4), 333-350.
43. Sobhani, H., and Bayat, S. (2014). Comparing the effects of improving institutions on per capita income in oil-exporting and industrial countries. *The Journal of Planning and Budgeting*. 19(1), 151-178 (In Persian).
44. Spencer, B. J. (1986). What should trade policy target?. Edited by: Paul Krugman, *Strategic Trade Policy and the New International Economics*, Cambridge, Massachusetts: The MIT press.
45. Tinbergen, J. (1962). Shaping the world economy: Suggestions for an international economic policy. New York: Twentieth Century Fund.
46. Young, A. T., and Sheehan, K. M. (2014). Foreign aid, institutional quality, and growth. *European Journal of Political Economy*, 36, 195-208.
47. Zarzoso, I. M., and Lehmann, F. N. (2003). Augmented gravity model: An empirical application to Mercosur-European union trade flows. *Journal of Applied Economics*, 6(2), 291-316.